

برگزیده ای از کتاب

بدون هراس

نویسنده: وندی شرمین

مترجم: دکتر محمد جمشیدی و حافظ رستمی

بدون هراس

- آمریکا محدودیت موشکی و تسلیحاتی را بسیار مهم می دانست
- این یکی از ویژگی های ثابت شیوه مذاکره ایرانی ها بود. همین که به نظر می رسید اجماع واقع شده آنها ناگهان چیزی را پیش می کشیدند و باز اوضاع را به هم می ریختند منطقیشان این بود که ما چیزی را که شما می خواستید دادیم حالا یکی از چیزهایی را که ما می خواستیم و شما برداشته بودید به ما بدهید
- مهم ترین جنبه توافق هسته ای ایران اصولی عالی بودند که ما در پی آن بودیم و قصد داشتیم جهان را بر اساس آنها شکل دهیم
- برای رسیدن به توافقی درست و معنا دار باید رقیبانمان را نه به چشم دشمنان ابدی یا دشمنان بی اهمیت بلکه به چشم شریک بنگریم . ما قبل از به کار گرفتن قدرت باید ماهیت آن را خوب درک کنیم
- در کسب و کار معاملات مسکن آن روز قوانین نانوشته ای بر فروش ملک به سیاه پوستان اعمال می شد اگر بنگاه داری به سیاه پوستان در محله ای سفید پوست نشین خانه می فروخت ، دشمنی دیگران را نیز برای خود می خرید
- الهام بخشی مذهب قطعاً در تصمیم پدرم نقش داشت . او بسیار دیر یهودیت را پذیرفت . ازدواج با مادرم مشوقی بود تا به مذهب نزدیک تر شود ، اما او فقط پس از مرگ خواهرش بود که واقعا دین یهود را پذیرفت
- اما زندگی پدرم در جنگ و دوره دیگری سپری شد مانند بسیاری از هم قطار هایش در جنگ جهانی پدرم تشنه زندگی عادی داشتن خانواده و کار بود
- اواما نیز زمانی که به ریاست جمهوری انتخاب شد به دنبال روزنه ای برای تغییر سیاست کوبا گشت اما با وجود رکورد بزرگ و لایحه بلند پروازانه اش در نظام سلامت او می دانست که باید این مسئله را برای دور دوم ریاست جمهوری اش نگه دارد.
- ولی توافقی گسترده تر نه تنها اعتراضات کوبایی های آمریکا را برمی انگیخت بلکه اواما را به رژیمی متصل می کرد که او اعتماد اندکی به صداقتش داشت

- در طول انقلاب تولید نفت ایران کاهش یافت و قیمت بنزین بر اثر آن به شدت افزایش پیدا کرد و باعث ایجاد صف طولی در پمپ بنزین ها شد
- تحریم ها اغلب برای کشاندن یک دولت که رفتار ناخوشایندی دارد به پای میز مذاکره مفید است اما به ندرت می تواند در مجاب ساختن آن دولت به تغییر کلیت رفتارش مفید باشد
- حتی هواداران حمله نظامی فاصله دستیابی ایران به سلاح هسته ای پس از وقوع حمله را سه تا پنج سال می دانستند
- حمله به ایران به معنی جنگ منطقه ای است و با حمله به ایران بهترین بهانه به او داده می شود تا برنامه هسته ای خود را ادامه دهد
- اوباما از ایران و آمریکا دعوت کرد که موضع خصمانه شان را به اندازه ای که بتوانند باهم مذاکره کنند کنار بگذارند .
- در سیاست چنین شجاعتی به ندرت تشویق می شود
- برنز انتخاب کاملا مناسبی برای رهبری این ماموریت حساس بود . او دیپلماتی برجسته و در آن زمان با سابقه ترین مقام سرویس خارجی وزارت خارجه بود
- جیک سولیوان که بعد ها مشاور عالی سیاسی هیلاری کلینتون در کمپین ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ شد حقوق دانی با استعداد و مذاکره کننده ای خستگی ناپذیر است
- من در خارج از اتاق به همراه عراقچی ، تخت روانچی و حسین فریدون (برادر حسن روحانی) ایستادم
- در واقع ظریف و کری اغلب به هم ایمیل می زدند و ایده هایشان را به اشتراک می گذاشتند و این مباحث آزاد اغلب باید به وسیله دیپلماتیک بازپرداخت می شد تا در متن توافق قرار گیرد
- در خاورمیانه کری به دقت از رابطه خوبش با نتانیاهو مراقبت می کرد و می کوشید رابطه اعتماد آمیزی را که با محمود عباس برقرار کرده بود حفظ کند
- شما نمی توانید به اهدافتان برسید اگر ندانید چه چیزی طرف مقابلتان را عصبی می کند . چه چیزی او را می خنداند و اینکه او دوست دارد به غیر از مسائل رسمی و تسلیحات هسته ای در مورد چه موضوعاتی صحبت کند

- دیپلمات ها و دیگر کسانی که مدام به خاور میانه سفر میکنند راهی برای غلبه بر این مانع ارتباطی پیدا کرده اند. وقتی با کسی نمی شود دست داد دست راستشان را بر سینه می گذارند و اندکی سرشان را به جلو خم می کنند این حرکت موثر است
- در بسیاری از مذاکرات در دیدارهای غیر رسمی دور از میز مذاکره می توان نتایج بسیار خوبی به دست آورد
- اگر در آمریکا مخالفان حزبی ما را به دادن امتیاز و خیانت متهم می کردند (که هنوز هم میکنند) ما به احتمال زیاد آینده شغلی و شهرتمان را حفظ می کردیم . اگر ما به توافقی نمی رسیدیم درست است که تهدید برای کشورمان افزایش می یافت ولی شهروندانمان تاثیرش را در جیب هایشان حس نمی کردند اما ایرانی ها چنین تضمین هایی نداشتند
- به نظر ایرانی ها ما به خاطر نفت ارزان و منافع مادی مان علیه رهبران خاورمیانه دست به کودتا زدیم دولت های دست نشانده ساختیم و در کشور های آنها هرج و مرج ایجاد کردیم
- در مقام مذاکره کننده شما نباید به سراغ چیزی بروید که به جدل بین دو طرف ختم شود یا شما را از مسئله اصلی دور کند .
- تجربه بعدها به من آموخت که باید ابتدا درک کرد که طرف مقابل در چه موضعی قرار دارد باید فشارهای روانی و اجتماعی را که روی فرد است درک کرد و این برای شروع هر رابطه ای ضروری است
- تجربه بعد ها به من آموخت که باید ابتدا درک کرد که طرف مقابل در چه موضعی قرار دارد باید فشار های روانی و اجتماعی را که روی فرد است درک کرد و این برای شروع هر رابطه ای ضروری است.
- اروپایی ها جدا از منافع امنیتی شان می خواستند تجارت نفت به وضع سابق بازگردد و فعالیت های سودمند اقتصادی شان با ایران از سر گرفته شود. آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی و پلیس جهان خود را مسئول می دید تا ایران از آزادی جدیدی که به دست می آورد برای تهدید متحدانمان در خاورمیانه استفاده نکند
- چین که هر دو روابط قوی خود را با ایران حفظ کرده بودند می خواستند این رابطه با ایران بعد از فرایند مذاکرات پا بر جا بماند . آنها همچنین مطابق حفظ اصول و منافع خود معتقد بودند هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی یک دولت مستقل را ندارد

- تنش های بر آمده از حمله روسیه به اوکراین و حمایتش از بشار اسد در سوریه روابط بین ما را به پایین ترین حد پس از جنگ سرد رسانده است
- اگر مذاکرات دو جانبه با شکست مواجه می شد ما نمی خواستیم که بر مذاکرات چند جانبه اثر منفی بگذارد
- گمانه زنی می شد که این موضع تا حدی با هدف تقویت روابط با رقیب اصلی ایران ، عربستان بود . عربستانی ها از تامین کنندگان اصلی نفت فرانسه هستند ولی از آن مهم تر مشتری دست به نقد تجهیزات نظامی فرانسوی نیز هستند
- رمز کار این نیست که قدرت شخصی ات را به کار بگیری بلکه باید بر قدرت مقامی که در دست داری مسلط شوی
- هنگامی که مشخص شد کره شمالی نه تنها آزمایش های موشکی خودش را دارد بلکه به ایران نیز موشک و فناوری موشکی صادر می کند
- خانه من و آلفرد آپارتمان یک خوابه کوچکی در محله برایتون بود من نقش یک همسر نمونه را بازی کردم پرده ها را می دوختم سعی می کردم دستوره های آشپزی یکشنبه های مجله نیویورک تایمز را اجرا کنم
- کمک های مالی والدینمان وقتی با حقوق خودمان جمع می شد برای زندگی مان کافی بود ما خودمان را خوش اقبال و خوشبخت می دیدیم
- آلفرد به تشویق من اعلام کرد تنها برای جایی کار می کند که یک بخش جدی غیر انتفاعی هم داشته باشد
- ولی بعد در روز تولد ۲۶ سالگی ام به یک سوئیت در بالتیمور اسباب کشی کردم و برای اولین بار تنها زندگی کردم (اگر سوسک ها را حساب نکنیم)
- حس می کنند که تنها و سر در گم هستند زنان می بینند حقوقی که به دست آورده اند باز در معرض خطر قرار گرفته و انتخاب های بیمه سلامتشان به سرعت کم میشود پناهندگان و مهاجرانی که بخش مهمی از عظمت کشور ما هستند زندگی شان را در سایه اخراج و تبعیض سپری می کنند خیلی از شهروندان به لحاظ فیزیکی یا اقتصادی احساس امنیت نمی کنند

- زمانی که ترامپ از توافق پاریس خارج شد شهرداران و فرمانداران سراسر کشور اعلام کردند که به اهداف توافق پایبندند. مردم توانسته اند از دل شکست، توان و قدرت فردی و سیاسی به دست آورند
- زمانی که ما برای توافق نهایی با ایران تلاش می کردیم پانزده آمریکایی که در هسته اصلی تیم من بودند دور میزی در هتل پالاس کوبورگ می نشستند و گمانه زنی می کردند
- وین ممکن است حس هالیوودی را در ما آمریکایی ها زنده کند زیرا فضای بسیار مناسب فیلمسازی است اگر فیلم مرد سوم را دیده باشید اورسن ولز در آن چهره متغیر و پر توطئه ای از وین پس از جنگ به نمایش می گذارد. هنوز این شهر آن قدر پر از جاسوس و توطئه های دیپلماتیک است
- در طول این تاخیر هایی که پیش می آمد معمولاً تیم ما و دیگر تیم ها داشتند محاسبات پیچیده ریاضیاتی را انجام می دادند تا مطمئن شوند که تغییر یکی از مولفه ها به هدف غایی آسیبی نمی زند یا با حقوق دانان برای رسیدن به زبان مناسب مشورت می شد و از وکلا و اقتصاد دانان در خصوص تاثیر برداشته شدن تحریم ها مشاوره می گرفتیم یا با آژانس انرژی اتمی و متخصصان خودمان درباره تکمیل رژیم بازرسی و تایید مشورت می کردیم
- هر دانشمندی هر مقام دولتی و با هر اتاق فکری که در این زمینه کار میکرد از واشینگتن گرفته تا کره جنوبی چین روسیه و حتی خود کره شمالی تماس بگیریم. حدود ده ماه تمامی نظرات را جمع کردیم
- اگر بعضی از ما بخشی را متوجه نمیشد زبان آن را تغییر می دادیم تا برای غیر متخصصان هم فهمیدنی شود. ما نمی خواستیم هیچ زبان مبهمی در توافق نهایی وجود داشته باشد این مهم بود همه ما که بر سر آن متن مذاکره می کردیم آن را بفهمیم
- اهمیت دیگر مطلع ساختن همه اعضای تیم از تمام جزئیات توافق این بود که نه تنها مشخص کرد ما برای رسیدن به چه چیزی کار می کنیم بلکه شیوه کار ما را نیز تعیین کرد
- هنجار اول این است که هر روز همه باید دور یک میز جمع شوند. وقتی که تیم ما مشغول مذاکرات اصلی بود ما هر روز صبح زود و یک بار هم در اواخر شب دور هم جمع می شدیم. در صورتی که اطلاعات خاص محرمانه ای که نیاز به مجوز امنیتی داشت در کار نبود همه افراد باید اطلاعات یکسانی می گرفتند
- همچنین این به این معنی است که اگر شما در تیم من هستید من از شما انتظار دارم شک ها و سوالات خود مطرح کنید

- در طول تابستان کلافه کننده ۲۰۱۴ حدود صد نفری که هر هفت تیم در مجموع داشتند چند روز را در وین گذراندند و در سمینارهایی شرکت کردند. این سمینارها به پیشنهاد کتی اشتون برگزار شد
- تیم آلمان در مورد شفافیت هسته ای به همه ما توضیحاتی داد. چینی ها درباره راکتور اراک صحبت کردند و اینکه چگونه می توان آن را به استاندارد بین المللی رساند. ما آمریکایی ها با تسط درباره فناوری سانتریفیوژ صحبت کردیم
- سوخت مصرف شده این راکتور در صورت تکمیل شدن منبع ثابتی از پلوتونیوم را در اختیار ایران قرار می داد. همه می دانستند که ما باید اراک را تعطیل کنیم ولی سوال این بود که چگونه می توانستیم یک راکتور نسل جدید را در اختیار ایران قرار دهیم که در عین تولید برق/کاربرد نظامی نداشته باشد
- من متوجه شده ام که رسیدن به اجماع نیازمند یک مکان است یک مکان فیزیکی که تمام ایده ها در آن مطرح و بررسی شوند حتی با وجود تمام فناوری های جدیدمان یک تخته سفید معمولی برای رسیدن ما به توافق با ایران نقش کلیدی ایفا کرد
- ولی در زمان مذاکرات ایران چینی ها تیم خبره ای را گرد هم آورده بودند که قدرت تصمیم گیری بیشتری داشت و به توافق متعهد بود
- با این حال همان طور که روس ها در مسائل مختلفی مانند کره شمالی به نظر چینی ها توجه می کنند چین نیز اغلب در مذاکرات با ایران از روس ها پیروی می کرد و با آنها همکاری نزدیکی داشت
- دیگر تیم های مذاکره کننده از این موضوع خوشحال بودند زیرا ما تمایل ایران به طراحی چین را راهی می دیدیم که از طریق آن می شد چین را نسبت به کلیت توافق متعهد تر ساخت
- قانون اول: اگر گند زدید مسئولیتش را قبول کنید خیلی صریح آن را به من بگویید خوشم نمی آید که بعد ها بفهمم و غافلگیر شوم. من آبروی شما را جلوی دیگران نمی برم
- قانون دوم: خطر پذیر باشید من ترجیحم این است که شما را از پیشروی بیش از اندازه باز دارم تا آنکه مدام بخواهم شما را وادار سازم حرکت کنید
- قانون سوم نقش و جایگاه خودت را بشناس و از قدرت آن نقش برای رسیدن به اهداف استفاده کن ولی بدان که هر نقش و جایگاهی محدودیت ها و مسئولیت های خودش را دارد
- قانون چهارم همیشه با رئیس دفتر یا دستیار من در ارتباط باشید آنها می دانند که مشکلات را چطور حل کنند

- او همچنین توصیه دیگر مرا عملی ساخت و در مجلس نمایندگان بر وظایفش در کمیته انرژی و تجارت تمرکز کرد
- به طرز عجیبی اقدام متهورانه ظریف در آوردن صالحی به سود آمریکا شد. ارنی مونیز دانشمند درخشان فیزیک هسته ای بود که می توانست مسائل پیچیده را به زبان ساده بگوید
- همچنین جیم اسمیت که صاحب رستوران های ساب وی در آن منطقه بود هر دو مرد در کمپین های پیروز مندانه سناتور پال ساربنز موثر بودند
- واقعیت این است که من در ساختن نهادها در مقایسه با اداره آنها مهارت بهتری دارم. این دو وظیفه در اصل باهم بسیار متفاوت اند
- یک هفته پس از موفقیت ما در لوزان رهبر ایران آیت الله خامنه ای برای جمعی از مقامات در تهران سخنرانی کرد و به نظر در سخنرانی او هیچ یک از پارامتر های مورد توافق ما را نمی پذیرفت او به وضوح گفت هنوز چیزی نهایی نشده
- تا به امروز انگشت کوچک کج مانده من یاد آور ایثارهای کوچکی است که باید برای رسیدن به دستاوردهای بزرگ انجام دهیم
- ما باید بتوانیم در برابر انتقادات دوام بیاوریم. قطعاً توان پایداری ما در برابر انتقادات زمانی بیشتر به آزمون گذاشته می شود که در برابر انتقاد کسانی قرار می گیریم که به ما نزدیک تر هستند
- من آنجا ماندم و یاد گرفتم که چگونه در برابر انتقاد سخت از هم نپاشیم. هر قدر هم که تند سرزنش شوید شما می توانید با از سر گذراندن آن از قبل آماده تر و در آینده بیشتر موفق شوید
- ایرانی ها در خیابان های تهران شعار مرگ بر وندی شرمین سر می دادند به اندازه کافی ترسناک بود. ایرانی ها شیوه هایی از شخصی کردن مذاکرات داشتند که برای آمریکایی ها عجیب است
- با این حال کنگره قدرت این را داشت که با تصویب تحریم های جدید هر کدام از تحریم هایی را که ما تعلیق می کردیم بی اثر سازد
- چند روز بعد سناتور تام کاتن از آرکانزاس نامه سرگشاده ای خطاب به رهبران جمهوری اسلامی ایران نوشت و به آنها گفت هر گونه توافقی که مورد تایید کنگره نباشد تا وقتی پابرجا خواهد بود که او باما رئیس جمهوری است
- در هر صورت پس از انتشار نامه کاتن اشتباه دانستن توافق جزو اصول دین جمهوری خواهان شد

- ۴۷ سناتور جمهوری خواه وظیفه خود دانستند تا نامه متمردهانه کاتن را امضا کنند
- آنگاه در صورتی که حتی آرای منفی بیشتر از آرای مثبت می شد رئیس جمهوری می توانست آن را وتو کند
- آگهی استخدامی از طرف وزارت خارجه دید که از متخصصان امور دفتری دعوت به همکاری می کرد . او برای استخدام اقدام کرد و پس از پذیرش باید پنج ماه منتظر بررسی امنیتی می شد . بالاخره با او تماس گرفتند و او راهی واشینگتن شد
- همچنین ما باید کار را روی آزاد سازی آمریکایی های زندانی یا مفقود در ایران ادامه می دادیم و اسرائیلی ها ، سعودی ها و کنگره را راضی می کردیم تا توافق را قبول کنند
- دلایل خوبی برای محدود کردن حوزه مذاکرات وجود دارد . اگر محدودیت خاصی گذاشته نشود ، آنگاه همه چیز قابل مذاکره میشود
- ما توانستیم رژیم بعث صدام در عراق را نابود سازیم و قذافی را در لیبی سرنگون کنیم ولی متوجه شدیم که پس از آنها نهاد جایگزینی وجود ندارد . چیزی که ما از عراق و لیبی آموختیم این است که پس از تغییر رژیم هم فردایی وجود دارد
- بازگرداندن تحریم های ما به خصوص تحریم هایی که دسترسی هر شخصی را که با بانک مرکزی ایران داد و ستد می کرد به بانک های آمریکایی ممنوع می ساخت عملاً توافق را به معامله ای ^{پ.چ} تبدیل می کرد .
- مورد دیگری که کوشیدم به ظریف منتقل کنم این بود که نارضایتی از توافق ارتباط مستقیمی با فعالیت های ایران در سوریه ، لبنان ، عراق و یمن دارد و هم جمهوری خواهان و هم دموکرات ها این فعالیت ها را خطرناک و بی ثبات کننده می بینند